



سد امیرکبیر دو هفته آب دارد

در پی کاهش شدید بارندگی‌ها و افت ورودی آب به سدهای استان تهران، مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای تهران اعلام کرد که ذخیره فعلی ۱۴ میلیون مترمکعبی در سد امیرکبیر، تنها برای تأمین آب شرب تهران به‌مدت کمتر از دو هفته کفایت می‌کند. بهزاد پارسا دراین باره گفت: «ورودی آب به سدهای تهران نسبت به سال‌انی گذشته ۴۳ درصد کاهش یافته و در حال حاضر تنها ۱۴ میلیون مترمکعب آب پشت سد امیرکبیر ذخیره شده که معادل هشت‌درصد ظرفیت این سد است.» او با بیان اینکه در زمان مشابه سال گذشته، مخزن سد کرج حدود ۸۶ میلیون مترمکعب آب ذخیره داشته است، ادامه داد: «این کاهش بی‌سابقه در ذخایر آبی، نتیجه کاهش ۱۰۰ درصدی بارش‌ها در استان تهران نسبت به میانگین بلندمدت است.» پارسا با تأکید بر اینکه پنج‌سال خشکسالی متوالی، فشار شدیدی بر منابع آب استان وارد کرده است، هشدار داد: «اگر مصرف آب کلانشهر تهران کنترل و کاهش داده نشود، با چالش‌های جدی در تأمین آب شرب مواجه خواهیم شد. مشارکت شهروندان در صرفه‌جویی و اصلاح الگوی مصرف، تنها راه عبور از این بحران است.»



آتش‌سوزی در رستوران دو طبقه

سختگویی سازمان آتش‌نشانی تهران از وقوع آتش‌سوزی در یک رستوران دو طبقه در شهرک غرب خبر داد. جلال ملکی دراین باره گفت: «شعله‌های آتش از حیاط رستوران آغاز شده و به داخل ساختمان و بخشی از بانک مجاور سرایت کرده است. ساعت ۱۱:۰۹ روز یکشنبه، وقوع حادثه آتش‌سوزی در یک رستوران واقع در شهرک غرب، خیابان ایران‌زمین، به سامانه ۱۲۵ اعلام شد که بلافاصله چهار ایستگاه آتش‌نشانی به محل اعزام شدند.» به گزارش ایسنا، او ادامه داد: «در محل حادثه مشاهده شد، یک رستوران دوطبقه دچار آتش‌سوزی شده است. در قسمت حیاط این رستوران، تعدادی میز و صندلی در زیر سقفی از ایرانیت قرار داشت که آتش‌سوزی از همان جا آغاز و به بخش داخلی رستوران سرایت کرده بود.» ملکی گفت: «در کنار این رستوران، یک شعبه بانک قرار دارد که بخشی از آن نیز در اثر شدت حرارت و سرایت آتش، دچار آسیب شده است. آتش‌شان‌ها بلافاصله با استفاده از تجهیزات تنفسی و خطوط لوله، عملیات اطفا را آغاز کرده و از گسترش حریق جلوگیری کردند.»



قطع همکاری ۵۰ استاد با دانشگاه شریف

مدیر دفتر آرازیایی و نظارت دانشگاه شریف گفته است که از سال ۱۳۹۶ تاکنون در مجموع حدود ۵۰ مورد قطع همکاری قطعی ثبت شده است و از این میان حدود ۳۰ نفر همچنان در فهرست افراد قابل بازگشت قرار دارند. سید بهزاد پور دراین باره گفت: «به‌صورت میانگین، هر سال بین ۱۵ تا ۲۵ نفر عضو هیئت‌علمی جدید به جمع همکاران علمی دانشگاه می‌پیوندند. البته در یکی، دو سال نخست همکاری، به‌صورت طبیعی تعدادی از این افراد به‌دلائل مختلف از جمله فرصت‌های کاری خارج از کشور، تغییر مسیر شغلی یا عدم تمایل به ادامه همکاری، از دانشگاه جدا می‌شوند. به‌طور معمول از میان ۱۵ تا ۲۵ جذب سالانه، حدود چهار تا پنج نفر در همان سال‌های ابتدایی از مجموعه خارج می‌شوند.»

درحالی‌که آنها درباره تمام موضوعات جامعه‌شان بحث می‌کردند.»

طراوتی در ادامه درباره دیدگاه پیشین غربی‌ها به طبیعت می‌گوید: «مونتسکیو که برای همه محترم بود، معتقد بود که طبیعت را فقط انسان باید مهار کند. انسان باید طبیعت را به‌نفع خودش دستکاری کند. بوفن، گیاه‌شناس مشهور می‌گوید عاشق تبری است که جنگل‌های آمریکا را تبدیل به باغ کرده و آنها را ساخته است. آلکسی توکویل که در سال‌های بعد آمد هم می‌گوید، تبر را ستایش می‌کند. جنگل‌های زوزه کش را هیچ‌کس جز تبر نمی‌تواند تبدیل به باغ‌های متوازن کند. اما در نتیجه همین بحث‌ها بود که هامبورگ، بنیان‌گذار محیط‌زیست شد، تفکر و علم محیط‌زیست را شکل داد و با آنها مخالفت کرد و گفت انسان، طبیعت را نابود می‌کند و ما باید طبیعت را حفظ کنیم.»

طراوتی همه این موارد را دلیلی دانست که نشان می‌دهد، بحث نیاز است و ما آن را نداریم: «این کتاب از این‌نظر قابل تجلیل است که ۱۷ نفر در آن نظر دادند و ما چه این نظرات را قبول داشته باشیم یا نه، یک مجموعه گرد هم آمده که می‌توان به آن واکنش نشان داد و از دل همین واکنش‌ها، واکنش‌های دیگری به وجود آید.» به گفته او در حال حاضر با آی‌تی و هوش مصنوعی امکاناتی ایجاد شده که پیش‌تر نبود: «شبکه، مهم‌ترین تکنولوژی قرن بیستم است. کامپیوتر سرعت را زیاد می‌کند اما از طریق شبکه است که می‌توان متصل شد و با نقاط مختلف دنیا ارتباط گرفت. شبکه‌های آنلاین مرکز پرورش علم و شناخت جمعی هستند. ما می‌توانیم مسائل مهم کشوری که درباره آنها در زمینه محیط‌زیست صحبت نشده است را با کمک افرادی مانند محمد درویش پیش ببریم. ما می‌توانیم برای آنها شبکه‌سازی کنیم. افرادی که طرفدار و علاقه‌مند به موضوع هستند، می‌توانند در این شبکه شرکت کنند و با مدیریت الگوریتمیک بر شبکه می‌توان به علم سرعت داد. ما می‌توانیم بر سر موضوعات بحث کنیم و در کشور کمبود بحث داریم. نظرات مختلفی بارها گفته شده و مشخص نیست کدام درست است.»

طراوتی گفت، یکی از کارهای مهمی که باید انجام شود این است که کتاب به‌عنوان یک نقطه‌عطف قرار گیرد و در شبکه‌های مختلف درباره موضوعات مختلف بحث شود: «مباحثی مانند مهاجران، باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد و می‌توان به نیروی کار افغانستان و پاکستان ویزای کار داد و از نیروی کار آنها استفاده کرد، به‌جای اینکه فشار بر جامعه برای فرزندآوری انجام شود. این موارد نیاز به گفت‌وگو و بحث دارد و شبکه‌ها بهترین وسیله برای این کار است. ما نمی‌دانیم با سنگ‌های ولگرد باید چه کار کنیم. مباحث بسیاری وجود دارد که نیازمند بحث است. سازمان محیط‌زیست هم کار محدودی دارد و نمی‌تواند همه موارد را سامان دهد. متفکران ما هم پراکنده هستند و هرکس برای خودش کتاب و مقاله‌ای منتشر می‌کند و در این میان یکی مانند محمد درویش وجود دارد که محبوبیت دارد و می‌توان از این موقعیت استفاده کرد.»

او در ادامه صحبت‌هایش به علت نوشتن مقاله‌اش در کتاب می‌پردازد: «علت نوشتن آن این بود که مسئله محیط‌زیست در ایران جدی گرفته نشده و هنوز هم ما همان کارهای قدیم را می‌کنیم. ما وضعیت محیط‌زیست فاجعه‌باری داریم. جمعیت ایران ۹۱ میلیون نفر شده است. از هشت‌گردد تا دماوند حدود ۳۰ میلیون نفر زندگی می‌کنند. بسیاری از مردم از اصفهان به رشت کوچ کردند، زمین و برنجزارها را خریدند و ساختمان ساختند. بلوچ‌ها به ماسال و زابلی‌ها به مازندران رفتند. مرکز ایران در حال خالی‌شدن است و جنوب ایران جمعیت کمی دارد. تالاب‌های ما خشک‌شده و دریاچه ارومیه، پریشان، بختگان و جازموریان از بین رفتند. تالاب مرکز جوشش حیات و زندگی است و اطرافش آب و رطوبت وجود دارد و براساس آن تمدن شکل می‌گیرد. ما تالاب‌هایمان را از دست دادیم و این مصیبت کمی نیست.»

طراوتی درباره تخلیه مناطقی از جنوب خراسان و زابیل گفت: «آنها تقریباً تخلیه شده و هامون از بین‌رفته است. اینها ثروت و دارایی ماست که از بین‌رفته است. هفته گذشته اعلام کردند در بستر رودخانه‌ها هر کاری آزاد است. درحالی‌که بستر رودخانه متعلق به همه کشور است و کسی اجازه ندارد هر کاری می‌خواهد انجام دهد. ما باید این مسائل را جدی بگیریم چون آینده منتظر ما نخواهد بود.»

طراوتی به بررسی‌های زیست‌محیطی انجام‌شده پیش از انقلاب اشاره کرد و درباره یکی از نمونه‌های آن مانند خوزستان گفت: «پیش از انقلاب، یک تیم خوزستان را بررسی و آرازیایی می‌کنند و در آرازیایی می‌گویند، خوزستان از نادرترین جاهای دنیاست. هم کوهستان‌های بلند دارد، هم دشت است و آب فراوانی دارد و خاک‌اش حاصلخیز است و می‌تواند یکی از مراکز اصلی تولید جهان باشد. خوزستان الان پر از ریزگرد است و ترکیه راه آب را بر ما بسته و هورالعظیم که عظمت‌اش در نام‌اش پیداست، خشک‌شده است. همه اینها مصیبت است و ما با اینها روبه‌رویییم و باید با آن برخورد کنیم. همه قبول داریم این موارد وجود دارد، اما بر خودم ما این است که امیدواریم درست شود.»

سرنوشت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی‌شان بسته‌تر شده، دو واکنش شدید به‌سرعت ظاهر شده است: «یکی گسترده‌شدن فساد و دیگری شدت گرفتن تخریب محیط‌زیست است. در گزارش‌های داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد تا پایان ۱۳۸۴ ایران از نظر شاخص عملکرد محیط‌زیستی رتبه ۵۳ را داشته که رتبه آبرومندی است اما در سال ۱۳۸۵ رتبه کیفیت محیط‌زیستی ایران به ۱۱۴ تنزل پیدا می‌کند. مانند همین موضوع در شدت فقر هم مشاهده می‌شود. در سال ۱۳۹۲ توزیع قدرت، کمی اوضاع بهتری پیدا کرده. در سال ۲۰۲۰ رتبه ایران از نظر عملکرد محیط‌زیستی ۶۷ است و در سال ۱۴۰۱ به رتبه ۱۳۳ تنزل پیدا کرده است. عین این پدیده درباره فساد هم رخ داده است. هر زمانی که در ایران باب مشارکت موثر مردم با عزت‌نفس در سرنوشت‌شان مسدود می‌شود، هم فساد گسترش پیدا می‌کند، هم محیط‌زیست با سرعت و شتاب غیرمعارفی تخریب می‌شود. این ایده‌ها و یافته‌ها می‌تواند مددکار باشند که ما از انبوه آدرس‌های غلطی که حسب منافع خاص گروه‌هایی در داخل یا خارج به ما داده می‌شود گیج نشویم. این ایده‌ها کمک‌کار هستند.»

او ادامه داد: «مسئله محیط‌زیست به کل نظام حیات جمعی برمی‌گردد و همانقدر فرهنگی است که اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. من در دوره لیسانس جلسات پایانی را به بحث توسعه پایدار اختصاص می‌دهم. در یکی از جلسات احساسات غلیان پیدا کردند؛ آخرین جلسه ترم بود و قرار بود با دانشجویان خداحافظی کنم، به آنها گفتم اقتصاد، مادی‌ترین عرصه معرفت انسانی و اجتماعی است اما حتی از طریق اقتصاد وقتی با مسئله پایداری و توسعه پایدار مواجه می‌شوید، آوای توحید به گوش شما می‌رسد. این عالم حساب‌و‌کتاب‌هایی دارد. من چند مثال برای دانشجویانم زدم و از آنها خداحافظی کردم. یکی از دانشجویان دختر پس از آن به اتاق آمد و گفت، از زمان شروع ترم شما با تسبیح در کلاس ظاهر شدید، من از اینکه یک فرد دانشگاهی با تسبیح سر کلاس می‌آید عصبانی بودم اما حرف‌های شما را که شنیدم، فهمیدم از سر عادت تسبیح به‌دست دارید. این گفت‌وگو سرآغاز کار کردن ۱۸ ماهه با آن دانشجوی شد و عهد بستیم که اگر هرکدام‌مان به حقیقتی برخورد کردیم در برابر آن مقاومت نکنیم.»

➤ مرکز ایران، در حال خالی‌شدن

حمید طراوتی، پزشک و فعال محیط‌زیست، یکی دیگر از سخنرانان این نشست بود: او نگاه عملی‌تری به موضوع داشت و تأکید کرد که یکی از



مشکلات اصلی ما نبود فرهنگ گفت‌وگوست: «ما عادت به بحث نداریم. در تاریخ‌مان، گفت‌وگو جای خود را به مجادله داده است. درحالی‌که اروپا پس از رنسانس از همین راه رشد کرد.» او پیشنهاد کرد برای جبران این خلأ، شبکه‌های آنلاین علمی و مدنی ایجاد شود تا متخصصان و مردم درباره‌ی موضوعات زیست‌محیطی و جمعیتی بحث کنند. به‌باور او، این شبکه‌ها با مدیریت الگوریتمی می‌توانند اندیشه‌ش جمعی ایرانیان را سامان دهند. طراوتی سپس به بحران‌های عینی محیط‌زیست پرداخت: «خشک‌شدن تالاب‌ها، کوچ جمعیت به شمال، تخریب خوزستان و مصرف بی‌رویه آب و برق در صنایع سنگین.» به گفته او، فولاد مبارکه به‌اندازه‌ی اصفهان و خراسان - با هم- برق مصرف می‌کند. معادن ایران را ویران کرده‌اند. باید اولویت سرمایه‌گذاری را تغییر دهیم. طراوتی هشدار داد که ادامه سیاست‌های فعلی، آینده‌ای تیره برای کشور رقم می‌زند: «اگر زاینده‌رود خشک شود و اصفهان از بین برود، ایران بخشی از هویت خود را از دست خواهد داد. باید به خودمان تکیه کنیم و ایران را جدی بگیریم.»

حمید طراوتی که یکی از ۱۷ نویسنده کتاب پایداری ایرانی است، در ادامه گفت که تهیه کتاب کار بزرگی بوده و محمد درویش به‌دلیل اعتبار و محبوبیتی که دارد، توانسته ۱۷ نفر را دور هم جمع کند که درباره توسعه پایدار در ایران صحبت کنند: «همه آنها از دیدگاه خودشان این موضوع را مطرح کردند که گاهی هم تفاوت‌هایی بین نگاه آنها وجود دارد. اما این کتاب یک نقطه‌عطف است چون در ایران به نسبت اروپاییان بحث کمتر داریم و عادت به بحث نداریم.» او بر این‌باور است که تاریخ ما اجازه این کار را به ما نمی‌دهد و ما در این زمینه کمبود داریم: «جلال شنگور که متفکر ترکیه است، می‌گوید عقب‌افتادگی آسیا از اروپا به دو دلیل است: یکی حمله مغول و دیگری انقلاب روسیه. او معتقد است، مغول همه چیز را از بین برد و انقلاب روسیه هم تفکر مستقل را از روشنفکران گرفت و میلیون متاثر از این تفکر شدند.»

باین‌حال طراوتی معتقد است، کمبود دیالوگ و گفت‌وگوست که به ما لطمه زده است: «در اروپا بعد از رنسانس این سنت وجود داشته و روشنفکران با هم صحبت می‌کردند و با محک تعقل همه گفته‌ها را می‌سنجیدند. آنها هر چیزی را قبول نمی‌کردند و بسیاری از مسائلی که ما داریم تا به حال درباره آن صحبت نشده، هیچ‌کس نظری درباره آنها نداده و به‌طور پراکنده روی آنها کار شده

اهلیت را دوباره تعریف کنیم، اما نه با کیفیتی که از آن پارک و باغ‌وحش بیرون بیاید. راه حل شکارگر در محیط پرستار پاسخ نمی‌دهد. محیط ما مستعد، بی‌قرار و بسیار حساس است. با خشونت‌ی که طی این ۷۰ سال نسبت به طبیعت انجام دادیم، طبیعی است که شرایط فعلی پیش می‌آید. ما به راه‌حل‌های اختصاصی خودمان نیاز داریم که به طبع خودمان یعنی تصرف جوهری و مدل پرستار نزدیک باشد.»

➤ بیداد فقر



فرشاد مومنی، اقتصاددان و استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی،

یکی دیگر از سخنرانان این نشست بود. او ابتدای سخنانش گفت، ما باید

بفهمیم که دقیقاً چه موضوعاتی به چه موضوعاتی مربوط است و چه چیزهایی به چه چیزهایی مربوط نیست. به گفته مومنی، بازی جمعی در مناسبات رانتی، بازی پنهانکارانه و فریبکارانه است: «در واقعیت دست می‌برند و ما را درباره اینکه چه چیزی به چه چیزی مربوط است و چه چیزی به چه چیزی مربوط نیست، گیج می‌کنند. ماجرای پایداری، ماجرای عدالت است. پایداری فقط در چارچوب یک بستر عادلانه موضوعیت پیدا می‌کند. ما از جنبه معرفتی از نقطه‌عطف انتشار کتاب گفتار در روش دکارت به سمت این‌رفتیم که هر چیزی را که می‌خواهیم بشناسیم از جوهره خودش جدا و تجزیه کنیم و از طریق تجزیه امور به شناخت عمیق دست پیدا کنیم. حاصل این تجزیه‌گری این شده که همه عرصه‌های حیات جمعی دچار بحران است.»

او معتقد است که اندیشه پایداری می‌خواهد دوباره پیوندزایی‌ها را به پیوند تبدیل کند: «اگر محمد درویش ۱۰ کتاب دیگر درباره پایداری ایرانی منتشر کند، من از ۱۰ زاویه متفاوت با او همکاری می‌کنم و با کمال میل راجع به ابعاد مسئله پایداری و عدالت صحبت می‌کنم. آنچه گوهر قضیه عدالت محسوب می‌شود، از جنبه اندیشه‌ای، محل اختلاف‌نظرهای بسیار جدی است اما همه کسانی که با هر رویکردی به مسئله عدالت نگاه کردند روی یک موضوع توافق دارند و آن هم این است که نقطه عزیمت حرکت به‌سمت عدالت این است که جلوه‌های عریان فقر زوده شود. همه این موضوع را قبول دارند که جلوه‌های عریان فقر نباید باشد. به‌همین خاطر است که ادبیات توسعه پایدار را که نگاه می‌کنید، می‌بینید زمانی‌که اروپایی‌ها تحت عنوان توسعه پایدار موجودیت خودشان را در خطر دیدند، فشارهایی را به کشورهای در حال توسعه تحت این عنوان وارد کردند. اولین کسی که به‌عنوان سختگویی جهان سوم در برابر این فشارها ایستادگی کرد، خامن‌ایندیرا گاندی بود: او گفت اگر برای جهان پایداری محیط‌زیستی می‌خواهید، هیچ عنصری به‌اندازه فقر در همه عرصه‌های حیات‌جمعی، آلودگی ایجاد نمی‌کند. کتاب اینگلهارت به‌نام تحول فرهنگی در جوامع صنعتی، چندهزار سال تاریخ بشر را بررسی کرده و می‌گوید، متعالی‌ترین جلوه‌های تمدنی انسان از نظر رفتاری در نقاطی ظاهر شده که سطوحی از امنیت اقتصادی پدیدار شده است و جایی انسان‌ها از زنده‌ماندن خودشان مطمئن شدند.»

مومنی معتقد است در ایران امروز در ابعاد بی‌سابقه‌ای در ۱۰۰ سال گذشته فقر بیداد می‌کند: «گزارش‌های رسمی و اصلی درباره فقر طبقه‌بندی می‌شود. واکنش‌هایی که جامعه درباره فقر نشان می‌دهد هم طبقه‌بندی می‌شود. بنابراین ما باید راهی پیدا کنیم تا قادر شویم حساسیت جدی راجع به فقر را تبدیل به دغدغه فراگیر کنیم. در دو دهه گذشته، چهار نفر به‌دلیل کار روی فقر جایزه نوبل اقتصاد گرفتند و ویژگی مشترک صحبت‌های هر چهار نفر آنها این است که مسئله فقر، مسئله جامعه است و زبان فقر برای بقا و پایداری جامعه بسیار پرهزینه‌تر از زبان فقر برای افراد فقیر است. این موضوع ابعادی دارد که باید در جای خودش به آن رسیدگی شود. گزارش‌هایی که به‌صورت غیرمحرمانه منتشر می‌شود، می‌گوید در ایران هفت میلیون نفر در وضعیت فقر شدید قرار دارند. این وضعیت به شبهه‌قحطی‌زدگی تشبیه می‌شود؛ یعنی فرد از کل امکانات مادی‌اش برای رفع گرسنگی نمی‌تواند استفاده کند. من فکر می‌کنم داده‌هایی که منتشرشده، نشان می‌دهد ابعاد فقر، غیرعادی گسترش پیدا کرده است. ما نیازمند این هستیم که به رویکردی متعلق به خودمان برای مواجهه با فقر دست پیدا کنیم. رویکردی که از دل مناسبات رانتی بیرون آمده باشد چون رویکرد صدقه‌ای و سلفه‌پرورانه به مسئله فقر، ایران را نجات نمی‌دهد. ما نیازمند رویکردی به فقر هستیم که رفع فقر با اتکا به عزت‌نفس افراد و با مشارکت فعال خودشان در رفع فقر حاصل شود. ما برای اینکه چنین رویکردی را پدیدار کنیم نیازمند آنیم که حساسیت و غیرت نسبت به جامعه و عزت آن را گسترش دهیم. این امر محقق نمی‌شود مگر اینکه مطالبه اصلی ما توزیع عادلانه قدرت باشد.»

مومنی در ادامه گفت که شاید برای شما تکان‌دهنده باشد اما گزارش‌های داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد که هر زمان در ایران توزیع قدرت نامتعادل‌تر و نابرابرتر شده و باب مشارکت فعال مردم در ساختن